

پرسه در شهر

نمایشی کمدی در خانه نمایش اداره تئاتر

جنگ وصلح در همین همسایگی



● گروه هنر: نمایش «در همین همسایگی» با موضوع جنگ به نویسندگی و کارگردانی جلیل رفیعی در خانه نمایش اداره تئاتر هر شب ساعت ۱۹:۴۵ اجرا می‌شود.

رفیعی درباره نمایش‌نامه در همین همسایگی با موضوع کمدی جنگ گفت: ایده آن در سال ۱۳۸۳ به ذهنم رسید، ولی متأسفانه آن سال‌ها به دلایلی نتوانستم آن را اجرا کنم تا این اواخر که به‌عنوان دانشجوی کارشناسی‌ارشد در دانشکده سینما تئاتر توانستم با استفاده از بعضی از منابع تئاتری مثل پیک‌نیک در میدان جنگ یا جنگ و صلح تولستوی و نمایش «به سوی شفق» آقای سلیمانی آن را کامل کنم و با کمک دوستان خوب گروه‌م روی صحنه بصرم. این نمایش در یک خط مرزی می‌گذرد که با نگاه طنز به آن می‌پردازد و به شیوه جنگ‌های امروزی مانند: جنگ با سلاح گرم، جنگ با دشنام و... .

او افزود: جنگ یک نوع کشمکش نظامی است که در طول تاریخ همیشه بین انسان‌ها وجود داشته، وقتی ما تاریخ را بررسی می‌کنیم می‌بینیم در تمامی جنگ‌ها انسان فقط به خودش و طبیعت پیرامون خودش ضربه زده است؛ ضربه‌ای که باعث تخریب، ویرانی و خانمان‌سوزی انسان‌های بی‌شماری شده و در نهایت تبدیل شده به تاریخ؛ تاریخی که برای عده‌ای مورخ‌تحلیلگر سیاسی، اجتماعی و پژوهندگان، برای بررسی‌های خاص خودشان باقی مانده و هیچ جنگی هنوز باعث درس عبرت انسان‌ها نشده و همچنان آتش‌افروزی و انسان‌سوزی کم‌اکان ادامه دارد. انسان‌ها وقتی در حال جنگ با یکدیگر نیستند، سعی می‌کنند با روش‌های دیگر به‌نوعی انزجار خود را نسبت به هم نشان دهند؛ بعضی با دشنام، بعضی با تمسخر و... یا روش‌های گوناگون مدرن‌تر امروزی مثل جنگ سایبری، جنگ تبلیغاتی، جنگ فرهنگی و... به‌هرحال همه اینها برای ضربه‌زدن است.

بهناز شیربانی: «جاده قدیم»، تازه‌ترین تجربه کارگردانی منیژه حکمت ۱۱ سال پس از ساخت آخرین فیلمش «سه زن»، در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد؛ فیلمی که با نگاهی زنانه به آسیب‌های در جامعه پرداخته است و دراین‌میان حضور بازیگرانی که به باورپذیری هرچه بهتر موضوع کمک کرده‌اند، یکی از نقاط قوت فیلم محسوب می‌شوند. به بهانه حضور این فیلم در جشنواره فیلم فجر با منیژه حکمت، نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده و آتیلا پسیانی، بازیگر این فیلم، به گفت‌وگو نشستیم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

● «جاده قدیم» بعد از سال‌ها و با فاصله از فیلم «سه زن» ساخته شد، هرچند که در این فیلم هم مثل «زندان زنان» و «سه زن» باز به موضوعی زنانه از منظری دیگر پرداخته شده‌است و موضوع تجاوز به زن‌ان واکاوی شد؛ به هر حال موضوعی که به آن رسانه‌های دنیا پیدا کرده است و در سیمای ایران نیز سعی شده تا به این موضوع از دریچه‌های مختلف نگاه شود. طبعاً نگاه شما به این موضوع به‌عنوان یک خانم نکته‌قابل‌تأملی است.

منیژه حکمت: همان‌طور که گفتید این‌ موضوع تنها مختص به ایران نیست، فقط اگر در این جغرافیا به آن نگاه شود، نسبت به حضور زنان و مشکلات آنها موضوع کمی متفاوت‌تر می‌شود. در ایران و بستر اجتماعی‌اش به نسبت حضور زنان در حرکت‌های اجتماعی و پررنگ‌بودن آنها و مواردی که برای آنها تعریف می‌شود تناقضی وجود دارد. این تناقض در بخش‌های مختلف ناهنجاری‌های خاص خودش را نشان می‌دهد. از طرفی نمی‌توانم به «جاده قدیم» به شکل یک فیلم کاملاً زنانه نگاه کنم، به گمان من این فیلم مردانه هم هست و معضلی اجتماعی، تاریخی و فرهنگی را به تصویر می‌کشد. اما از جهتی همیشه این تضادها برای سینما و هنر جذاب است که جهان‌بینی و اندیشه‌ای را در این بستر جاری کنیم. به همان نسبت پرداختن به این مسائل دشوار است و باری به هر جهت نمی‌شود کار کرد. به‌هرحال همیشه اکران ایران برای من اهمیت بیشتری داشته است و زمان «زندان زنان» دو سال پای فیلم ایستادم تا ابتدا اکران ایران را گرفتم و بعد اکران خارجی را شروع کردیم، ولی بحث «جاده قدیم» فقط جغرافیای ایران را در بر نمی‌گیرد و موضوعی جهانی است که چهار سال پیش نگارش متن آغاز شد و از همان

زمان به آتیلا پسیانی به‌عنوان بازیگر اصلی مرد فیلم فکر می‌کردم. اما قطعاً سال‌ها پیش تصویری در این زمینه نداشتیم که موضوع تجاوز به زنان تا این حد به بحث داغی تبدیل خواهد شد و موج خشونت علیه زنان به راه خواهد افتاد. چنین مسائلی قطعاً از نقطه‌نظر یک سینماگر پنهان نمی‌ماند، تحقیقات میدانی نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد زنان این کشور مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند. نمی‌توان از این موضوع به‌احتی گذشت؛ اتفاقاً بخش سخت ماجرا از اینجا شروع می‌شود که چراکه ما مراکزی نداریم که آمار دقیقی در این زمینه داشته باشیم و با افرادی که آسیب دیده‌اند، راحت روردری شویم و باید راه‌های میانبر را انتخاب کنیم و دریافت‌های خودمان را در فیلم‌نامه منعکس می‌کنیم و باید مراقب بود این دریافت‌ها در فیلم‌نامه خودخودش تعریف نشود. اما هدف من، به‌تصویرکشیدن داستانی به‌صورت یک رئال درست سینمایی بود که نمی‌دانم تا چه حد در رسیدن به این هدف موفق بودم اما همه تلاشم را کردم.

● اشاره کردید که تحقیقات میدانی زیادی در این زمینه داشته‌اید؛ این روند در این چهار سال نگارش فیلم‌نامه تا ساخت ادامه داشت؟

منیژه حکمت: طبق آمار دولتی، ۷۰ درصد زنان ما دچار این آسیب هستند، اما در زمان نگارش فیلم‌نامه با افراد مختلفی صحبت کردم و البته خانواده‌هایی که درگیر این ماجرا بودند و حس خانم‌هایی را که دچار آسیب شدند در نگارش فیلم‌نامه مدنظر داشتم، اما قطعاً این‌انکار هم فقط این نیست که از منظر اجتماعی خجالت بکشم موضوع را مطرح کنم؛ بخش اعظم ماجرا این است که من چگونه به ضعفم اعتراف کنم؟ من که آنقدر به همه‌چیز مسلط بودم این برایم یک ضعف محسوب می‌شود؛ باید روی آدم‌های آسیب‌دیده کار کرد. از این موضوع به این ماجرا برمی‌گردم که چرا شخصیت بهرام به این شکل تصویر شد؟ این شخصیت را به این شکل پیش بردیم که به جای اینکه بهرام شوهری باشد که از این موضوع خجل و شرمندۀ باشد، با تنها کسی که برای خجالتش مبارزه می‌کند، پدرش است؛ پدری که درک کمتری از ماجرا دارد، اما بهرام به‌لحاظ اجتماعی خجالت‌زده نیست، به زنش می‌گوید حتماً آزمایش بده و شکایت کن و در تمام این مراحل کنارت هستم. بهرام در این شرایط مجبور است دو چیز را بپذیرد شود: ابتدا زن را که آسیب‌روحي دیده است، دل‌داری بدهد و دوم اینکه تصویری را که این زن از مرد در ذهنش پیدا کرده است، پاک کند. خب بازی‌کردن این دو بعد برای من خیلی جذاب بود. به‌نوعی نشان می‌دهد همه مردها قرار نیست آسیب‌زننده باشند، بعضی از آنها هم قرار است آسیب را درمان کنند.

● مشخصاً سکانسی که بهرام در جریان شکایت‌کردن، به نوعی روبه‌روی پدرش می‌ایستد، یکی از نکات اصلی شناختن شخصیت بهرام است... منیژه حکمت: بله. این روند در زمان تحقیقات برای نگارش فیلم‌نامه حاصل شد. زمانی که زن دچار آسیب می‌شود، گویی آواری روی سر خانواده‌ها خراب می‌شود و باید به این فکر کرد که خانواده‌ها چگونه می‌توانند این آوار را بردارند و دوباره این ستون را از نو بسازند. بهرام در این فیلم شخصیت بسیار متفاوتی است، چراکه اکثراً در چنین شرایطی کمتر برخورد منطقی با موضوع دارند، به‌عنوان کارگردان، خیالم از بابت آتیلا پسیانی کاملاً راحت بود که این نقش را به زیبایی ایفا خواهد کرد و مهتاب کرامتی هم با انرژی وارد شد و همدل و همقدّم، نقش زنی را ایفا کرد که دچار آسیب شده است که به‌شدت نقش سختی است، خوشبختانه این از خوش‌شانسی من است که گروه در چه یکی در این فیلم با من همراه شدند و در روند ساخت این فیلم به‌شدت کمک کردند.

آتیلا پسیانی: نکته‌ای در بازی من نقش زیادی داشت و آن ظرافتی بود که درواقع از فیلم‌نامه می‌آمد؛ بهرام چه زمانی تصمیم می‌گیرد برای همسرش کمک‌کننده باشد؟ وقتی زن قرت‌مندشد را در شرایط بدی می‌بیند؛ زمانی که آسیب‌هایی از طرف پدر خودش دیده است، یعنی بهرام در مقابل پدرش شخصیت ضعیفی دارد و درست جایی قد علم می‌کند و جلوی پدر خود می‌ایستد که آسیب همسرش را می‌بیند و متوجه می‌شود دو آدم ضعیف باید به هم قدرت بدهند و سیکل منفی را باید تبدیل به سیکل و دایره مثبت کنند و این تلاش بهرام برای تغییر مسیر است که در فیلم‌نامه موجود بود که امیدوارم در بازی از پس آن برآمده باشیم. به نظرم این نکته مهمی است که شخصیت بهرام را ویژه‌تر می‌کند.

هنر

گفت‌وگو با منیژه حکمت و آتیلا پسیانی

روی لبه تیغ حرکت می‌کردیم



عکس: رفیعی

پستی‌پشتی

این تحقیقات به صورت متناوب صورت نگرفت؛ با این حال در مقاطع گوناگون که از لحاظ روحی به آرامش می‌رسیدم تحقیقاتم را شروع می‌کردم. ● البته بازی بازیگران فیلم را نمی‌توان در روند اجرای قصه بی‌تأثیر دانست. آقای پسیانی! تصور می‌کنم شاید این شخصیت برای شما هم بسیار پرجالش بود؛ دیالوگی در فیلم هست که تا حدی شرایط دوگانه این شخصیت را مشخص‌تر می‌کند؛ قرار گرفتن در موقعیتی که برای او دشوارتر است، نگاه شما از ابتدا به این فیلم‌نامه چه بود؟

آتیلا پسیانی: علی‌رغم اینکه با خانم حکمت درباره فیلم‌نامه زیاد صحبت کردم و ایده‌هایی نزدیک به هم نسبت به این آسیب داشتیم، خانم حکمت این ناهنجاری را از وجه جامعه‌شناسانه‌اش به بهترین شکل دنبال کرد؛ چه در فیلم‌نامه و چه در تولید، به این دقت و هوشمندی با این موضوع برخورد شد. به‌هرحال بخش روان‌شناسانه این موضوع برای ما مهم بود و در این بخش من کمتر به زن‌بودن مورد آسیب نگاه می‌کردم. به نظرم موضوع بسیار انسانی است. در فیلم زنی را می‌بینیم که مدیریت دارد و انسانی که روی هر چیزی تسلط دارد و باهوش کامل اطراف خودش را اداره می‌کند؛ زمانی که دچار آسیب می‌شود ضربه‌اش چندین برابر آدم ضعیف است، چراکه آدم ضعیف همیشه امکان آسیب‌خوردن دارد، اما آدمی که انتظار آسیب‌خوردن را ندارد، بیشتر روانش آسیب می‌بیند و به همین علت موضوع انگار پیش می‌آید. انکار هم فقط این نیست که از منظر اجتماعی خجالت بکشم موضوع را مطرح کنم؛ بخش اعظم ماجرا این است که من چگونه به ضعفم اعتراف کنم؟ من که آنقدر به همه‌چیز مسلط بودم این برایم یک ضعف محسوب می‌شود؛ باید روی آدم‌های آسیب‌دیده کار کرد. از این موضوع به این ماجرا برمی‌گردم که چرا شخصیت بهرام به این شکل تصویر شد؟ این شخصیت را به این شکل پیش بردیم که به جای اینکه بهرام شوهری باشد که از این موضوع خجل و شرمندۀ باشد، با تنها کسی که برای خجالتش مبارزه می‌کند، پدرش است؛ پدری که درک کمتری از ماجرا دارد، اما بهرام به‌لحاظ اجتماعی خجالت‌زده نیست، به زنش می‌گوید حتماً آزمایش بده و شکایت کن و در تمام این مراحل کنارت هستم. بهرام در این شرایط مجبور است دو چیز را بپذیرد شود: ابتدا زن را که آسیب‌روحي دیده است، دل‌داری بدهد و دوم اینکه تصویری را که این زن از مرد در ذهنش پیدا کرده است، پاک کند. خب بازی‌کردن این دو بعد برای من خیلی جذاب بود. به‌نوعی نشان می‌دهد همه مردها قرار نیست آسیب‌زننده باشند، بعضی از آنها هم قرار است آسیب را درمان کنند.

● مشخصاً سکانسی که بهرام در جریان شکایت‌کردن، به نوعی روبه‌روی پدرش می‌ایستد، یکی از نکات اصلی شناختن شخصیت بهرام است... منیژه حکمت: بله. این روند در زمان تحقیقات برای نگارش فیلم‌نامه حاصل شد. زمانی که زن دچار آسیب می‌شود، گویی آواری روی سر خانواده‌ها خراب می‌شود و باید به این فکر کرد که خانواده‌ها چگونه می‌توانند این آوار را بردارند و دوباره این ستون را از نو بسازند. بهرام در این فیلم شخصیت بسیار متفاوتی است، چراکه اکثراً در چنین شرایطی کمتر برخورد منطقی با موضوع دارند، به‌عنوان کارگردان، خیالم از بابت آتیلا پسیانی کاملاً راحت بود که این نقش را به زیبایی ایفا خواهد کرد و مهتاب کرامتی هم با انرژی وارد شد و همدل و همقدّم، نقش زنی را ایفا کرد که دچار آسیب شده است که به‌شدت نقش سختی است، خوشبختانه این از خوش‌شانسی من است که گروه در چه یکی در این فیلم با من همراه شدند و در روند ساخت این فیلم به‌شدت کمک کردند.

آتیلا پسیانی: نکته‌ای در بازی من نقش زیادی داشت و آن ظرافتی بود که درواقع از فیلم‌نامه می‌آمد؛ بهرام چه زمانی تصمیم می‌گیرد برای همسرش کمک‌کننده باشد؟ وقتی زن قرت‌مندشد را در شرایط بدی می‌بیند؛ زمانی که آسیب‌هایی از طرف پدر خودش دیده است، یعنی بهرام در مقابل پدرش شخصیت ضعیفی دارد و درست جایی قد علم می‌کند و جلوی پدر خود می‌ایستد که آسیب همسرش را می‌بیند و متوجه می‌شود دو آدم ضعیف باید به هم قدرت بدهند و سیکل منفی را باید تبدیل به سیکل و دایره مثبت کنند و این تلاش بهرام برای تغییر مسیر است که در فیلم‌نامه موجود بود که امیدوارم در بازی از پس آن برآمده باشیم. به نظرم این نکته مهمی است که شخصیت بهرام را ویژه‌تر می‌کند.

منیژه حکمت: من یکی از دیالوگ‌های بهرام را خیلی دوست دارم، جایی که با تمام اتفاقات ناخوشایندی که در جریان هست به پدرش می‌گوید: الان برای من «مینو» مهم است. پسیانی: بله. دلایلش هم این است که فرض کنید اصلاً فرد متجاوز را اعدام کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟ الان مینو اهمیتش بیشتر است.

● در این فیلم‌نامه سه شخصیت مرد با تفکرات مختلف وجود دارد که هر کدام به نوعی در مواجهه با شخصیت زن آسیب‌دیده فیلم متفاوت رفتار می‌کنند، این شخصیت‌ها با چه ذهنیتی نوشته شدند؟

منیژه حکمت: این رنکارنگی رفتاری در فیلم که براساس نسل‌های مختلف نشان داده شده است، خیلی پیچیده نیستند؛ همه اینها آدم‌های اطراف ما هستند که جایگاه‌های مختلفی دارند و اساساً بخشی از جامعه را نمایندگی نمی‌کنند. در حقیقت این پیچیدگی در درام خودش را نشان می‌دهد و حالا محور قصه بهرام است.

● اما در پایان درباره شخصیت مهرداد خیلی صحبت نمی‌شود و در حد چند دیالوگ کوتاه تنها اسمی از او آورده می‌شود.

منیژه حکمت: شخصیت مهرداد از نسلی می‌آید که خانواده‌هایی را تنها گذاشت، نسل جوان ۱۸ ساله اول انقلاب که اشاره کوتاهی به آنها شد، برادری که دیگر نیست و... .

● آقای پسیانی! در طول فیلم‌برداری هم ایده‌هایی برای پرداخت بهتر شخصیت بهرام داشتید؟ آتیلا پسیانی: اساساً زمان فیلم‌برداری خاص خودش است و به نظر من خیلی نباید وارد این ماجرا شد و باید قبل از فیلم‌برداری درباره ریزه‌کاری‌های نقش صحبت کرد؛ فیلم‌نامه مهم‌ترین اتفاقی است که همه ما را کنار هم جمع می‌کند و تبدیل می‌شود به قانونی که بر مبنای آن حرکاتمان را تنظیم کنیم. چیزی که برای ما اهمیت داشت این بود که در چند نشستی که قبل از شروع فیلم‌برداری با هم داشتیم (در مرحله پیش‌تولید) خوب درک کردیم چطور به موضوع نگاه می‌کنیم و نه تنها نگاه ما به فیلم‌نامه همسو بود، روحیات گروه هم خوشبختانه به هم نزدیک بود و برخلاف توافعی که خانم حکمت به خرج دادن جمع‌شدن ما در کنار هم تصادفی نبود. به نظرم خانم حکمت این انتخاب‌ها را دارند و در چند کاری که چه به‌عنوان کارگردان و چه تهیه‌کننده با ایشان کار کردم، به عقیده من در انتخاب تیم دقت دارند و نتیجه خوبی هم می‌گیرند؛ خوشبختانه تیم همدل و با اندیشه‌های نزدیک به هم را کنار هم جمع کردند. اتفاقی که در زمان فیلم‌برداری افتاد این بود که همه‌چیز پیش از آن تحلیل شده بود و در زمان فیلم‌برداری تنها روتوش‌های کوچکی اتفاق افتاد؛ در حد تغییر کوچک دیالوگ یا پیشنهاد یک حرکت جدید یا نگاهی خاص با هم گپ می‌زدیم.

● به نظرم باید به بازی خوب پرویز پورحسینی هم اشاره کرد و انتخاب بسیار خوبی بود.

منیژه حکمت: بله. این شانس ما بود، خوشحالم با پرویز پورحسینی کار کردم و تمام تلاش ما این بود که فضایی طبیعی در مقابل دوربین تصویر کنیم.

آتیلا پسیانی: اتفاقاً این اولین‌بار بود من و مهتاب کرامتی همبازی بودیم.

منیژه حکمت: بله، اتفاق خوبی بود.

آتیلا پسیانی: با وجود این، تعامل خوبی با هم داشتیم منیژه حکمت: همه عوامل فیلم از این پروژه مراقبت کردند و پشت فیلم بودند، مقابل دوربین بازیگران بسیار همراه بودند، آقای خرقه‌پوش بالای سر کار بود و کمی هم دانایی من به‌عنوان تهیه‌کننده، کارگردان این اتفاق را رقم زد و فیلمی شد که همگی لذت بردیم و خوشبختانه در سطح حرکت نکردیم.

آتیلا پسیانی: به نظر من یکی از مهم‌ترین موفقیت‌هایی که خانم حکمت به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان در این فیلم تجربه کرد، این بود که فیلم به دام یک جور فمینیسم قلابی و کاذب نگلنید و اصلاً سطحی‌نگری اتفاق نیفتاد. این موفقیت مهمی است و شاید بتوان گفت عامل اول موفقیت این فیلم است و خواهد بود. منیژه حکمت: زمانی که تحقیقاتم را شروع کردم با روان‌شناسان زنده‌ای صحبت کردم؛ دریافت‌هایم را با آنها در میان می‌گذاشتم و زمانی که به جمع‌بندی نهایی می‌رسیدیم، می‌گفتند تو که همه‌چیز را می‌دانی و به نظرم اینها همان دریافت‌های تحقیق میدانی کمی موشکافانه است. موضوع به‌گونه‌ای بود که انگار روی لبه تیغ حرکت می‌کردیم. این برای من بخش سخت فیلم‌نامه بود.

● تیم نویسنده‌ای شما را همراهی می‌کردند؟

منیژه حکمت: مشاور زیاد داشتیم. آقای خرقه‌پوش رکن اصلی بود و دوستان مختلف در مقاطع مختلف کمک‌های خوبی برای فیلم‌نامه بودند و تأثیراتی گذاشتند. اما من و آقای خرقه‌پوش موضوع را پیش بردیم، باید به این نکته هم اشاره کنم که من ادعایی در سینمای اجتماعی ندارم، اما به عقیده من نمی‌توان همین‌طور بی‌جهت گام برداشت و این سینما ملزومات خودش را دارد و در ساختار پیچیده‌ای مثل ایران باید به این موضوع دقت کرد.

● با توجه به حساسیت‌های فیلم‌نامه، جز بخش‌هایی که اشاره‌های کمتری به برخی موضوعات داشتید، سانسوری هم اتفاق افتاد؟

منیژه حکمت: نه. زمانی که فیلم می‌سازم تکلیفم را مشخص می‌کنم. با خودم فکر می‌کنم در این مقطع تاریخی می‌خواهم فیلم بسازم و هیچ‌وقت خودم را سانسور نمی‌کنم.

زیر آسمان فیروزه‌ای

در گشایش جشنواره فیلم فجر

بزرگداشت عیدی، نجفی و اسماعیلی



● گروه هنر: در مراسم گشایش سی‌وششمین دوره جشنواره فیلم فجر که شامگاه پنجشنبه، ۱۲ بهمن، با حضور هنرمندان و سازندگان فیلم‌های شرکت‌کننده در جشنواره در سالن همایش‌های برج میلاد برگزار شد، محمدعلی نجفی، اکبر عبیدی و منوچهر اسماعیلی به پاس سال‌ها فعالیتشان تقدیر شدند.

در این مراسم سعید راد، سیامک اطلسی، بهرام رادان، مصطفی کیایی، هومن سیدی، نوید محمدزاده، مهدی پاکدل، رسول صدرعاملی، بهرام زند، منوچهر والی‌زاده، سیف‌الله صمدیان، پژمان بازغی، کامبیز دبیرباو و روح‌الله حجازی نیز حضور داشتند. سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر اسبق وزارت فرهنگ و ارشاد و رئیس کمیته ملی المپیک، صادق، نماینده مجلس، محمدمهدی حیدریان، رئیس سازمان سینمایی، علیرضا تابش، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی، حبیب ایل‌بینی و علیرضا رضاداد از دیگر حاضران در این مراسم بودند.

کلیدی با صدای پرویز پرستویی و به مناسبت شهادت حضرت فاطمه (س) در ابتدای مراسم پخش شد و پس از آن ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر جشنواره، به حاضران خوشامد گفت و افزود: در این دو، سه‌سالگی که جشنواره فیلم فجر به صورت ملی برگزار می‌شود، درواقع ادبی دین سینمایی ایران به انقلاب و آرمان‌هایی مانند عدالت و حق‌مداری است. این افتتاحیه را به روح شهدای هشت سال دفاع مقدس تقدیم می‌کنم که از آرمان‌های مردم دفاع کردند.

سپیس احسان کرمی با ابراز همدردی با خانواده‌های یازمندگان کشتی سانچی و زلزله‌های کرمانشاه و کردستان پیشنهاد کرد که در روزهای جشنواره فجر مبلغی از سوی جامعه هنری جمع‌آوری شود برای آت‌هایی که نیازمند کانکس هستند که تا نوروز در اختیارشان قرار بگیرد.

کلیدی از درگذشتگان سینما به یاد نقی سیف‌جالی، خسرو شجاع‌زاده، علی رامز، حبیب‌الله کاسه‌ساز، علی معلم، فرامرز مهرجو و وحید نصیریان پخش شد. در این بخش سیدعباس صالحی، ابراهیم داروغه‌زاده، محمدمهدی حیدریان و فرشته طائرپور به اهدای لوح یادبود از آثار معماریان و امید و ایمان معلم (خانواده زنده‌یاد علی معلم) تقدیر کردند.

سیدعباس صالحی گفت: ماه بهمن برای ما یادآور دو چیز است؛ یکی جشن انقلاب و یکی هم جشن سینمای ایران؛ سینمایی که ایران را در چهار دهه بلندآوازه کرد. سینمای ایران امروز با چهار وجه انسانی، متفکرانه، شاعرانه و قصه پیش می‌رود و اقتدار دارد.

سعید راد به بهانه بزرگداشت منوچهر اسماعیلی به مراسم آمده بود و به یاد روزهایی افتاد که صداپرداری سر صحنه انجام نمی‌شد و در اتاق دوبله جقدر کار را سخت می‌دیده است، بنابراین گفت که با کلمه نمی‌شود این هنرمند را ستایش کرد و از حاضران درخواست کرد: در این سالن باشکوه یک‌دقیقه به احترام منوچهر اسماعیلی بایستیم و ایشان را تشویق کنیم. در بخش اهدای جوایز اقلام تبلیغاتی ابتدا دیلم افتخار نام‌واره (لوگو) به محمد روح‌الامینی برای فیلم‌های «رگ خواب» و «خفه‌گی» تقدیم شد. همچنین سیمرغ بلورین بهترین آنونس به مسعود رفیع‌زاده برای فیلم «خفه‌گی» رسید و سیمرغ بلورین بهترین عکس به جواد جلالی برای فیلم «پریناز» اهدا شد. سیمرغ بلورین بهترین پوستر فیلم هم نصیب بابک یادگاریان برای طراحی پوستر فیلم «هجوم» شد. پایان‌بخش مراسم افتتاحیه، تقدیر از اکبر عیدی بود. آیین بزرگداشت عیدی با حضور رسول صدرعاملی، مسعود ده‌نمکی، محمدرضا فروتن، بهرام بدخشانی و نیز احمدرضا معتمدی (به درخواست عیدی) برگزار شد که لوح تقدیری را تقدیمش کردند. محمدرضا فروتن با اشاره به اینکه بزرگان سینمای ایران خیلی زیاد هستند، گفت: ولی به دو نفر خیلی ارادت دارم؛ یکی زنده‌یاد خسرو شکیبایی و دیگری آقای اکبر عیدی که نبوغشان حیرت‌انگیز و در سینما بسیار مجززه کرده است. سپس اکبر عیدی اظهار کرد: این روزها هم‌زمان با ایام فاطمیه است و به همسرم که سید است تسلیت می‌گویم. او با قدردانی از مردمی که اگر فیلم بد هم بازی کرده چیزی به او نگفته و فیلم‌هایش را تماشا کرده‌اند، گفت: از مردمی که خرج ما را می‌دهند و به سینما می‌روند و فیلم می‌بینند تشکر می‌کنم. او با ابراز تسلیت و همدردی با خانواده‌های قربانیان پلاسکو، کشتی سانچی و زلزله کرمانشاه گفت: اصلاً من کجا و اینجا کجا که در کنار سلطان صدا، منوچهر اسماعیلی، از من قدردانی کنند. ایشان فرش‌چیان سینمای ایران است، چون ۵۰ درصد سینما صداست و آقای اسماعیلی در فیلم «مادر» جای چهار نفر صحبت کردند؛ از جمله من که شاید خیلی‌ها این موضوع را نمی‌دانستند، ولی ایشان کاستی مرا با صدای مخملی خودش پر کرد. عیدی اشاره کرد که در سلیقه مردم تغییری ایجاد شده و از تئاتری گفت که اخیراً خودش روی صحنه داشت و مردم از او انتظار شوخی و آهنگ و عروسی داشته‌اند.